

جهان اسلام در زمانه ما شاهد ظهور افراد و جریانهای متعددی است که با عنوان صاحبان تفکر اصلاح گرا شناخته می شوند، اما یکی از مهم ترین پرسش ها در این زمینه این است که یک نظام فکری باید دارای چه ویژگی هایی باشد تا دقیقاً مصداق «تفکر اصلاح گرای اسلامی» را پیدا کند؟ یک سوی ماجرا به آن دسته از مسلمانان اختصاص دارد که خود را مصلحان مسلمانان می نامند، اما

از میان ایشان تنها عده معدودی هستند که نظام فکری قابل اعتنایی دارند. سوی دیگر ماجرا مسلمانانی هستند که خود را اصلاح گرامی دانند، اما بلافاصله گوشزد می کنند که نمی خواهند خود اسلام را اصلاح کنند، بلکه فقط در پی آنند که تفسیرهای رایج از اسلام را به شیوه ای صحیح و دقیقاً اسلامی اصلاح کنند. برای هر یک از این دو گروه، مصادیق متعددی می توان برشمرد.

الگوی مسلمانی
فتح الله گولن به سال ۱۹۳۸م. در روستایی نزدیک ارزروم در آناتولی شرقی دیده به جهان گشود و اکنون در آمریکا روزگار می گذراند. او در خلال دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی به عنوان یک واعظ و مبلغ منصوب از طرف دولت، به سراسر ترکیه سفر کرد. یکی از کلیدی ترین دیدگاه های گولن که طی آن سال ها بسط و گسترش فراوانی یافت، تلاش برای شکل دادن اسلام مدرن بود. او این کار را با مهم جلوه دادن علوم تجربی و طبیعی انجام داد. به تعبیر دیگر، فتح الله گولن یکی از بهترین راه های معرفی اسلام مدرن را بهره گیری از میراث علوم طبیعی جدید می دانست.

همزمان با رشد نفوذ گرایش های اسلامی در صحنه سیاسی ترکیه، طی سال های دهه ۸۰ برخی از احزاب میانه رو و محافظه کار، گولن را در حکم یک «مسلمان نمونه» یا «الگوی مسلمانی» در جهان جدید تلقی می کردند، چرا که او مروج این اندیشه بود که باید میان ارزش های اسلامی و تفکیک اسلام از سیاست، پیوند و تلفیقی ایجاد کرد. آشکار است که این نظریه، مناسب حال

«فتح الله گولن» (Fethullah Gulen) اندیشمند مسلمان ترکیه، از زمره گروه دوم است. او را می توان پدر معنوی جریانی دانست که احتمالاً فعال ترین جنبش اسلامی در ترکیه، طی سال های پایانی قرن بیستم بوده است. با این همه اکنون عنایت چندانی به این متفکر و شاگردانش معطوف نمی شود و در تحلیل وضعیت تفکر اسلامی معاصر در ترکیه، نقش او مورد غفلت قرار می گیرد. در نوشته حاضر خواهیم کوشید نظرات و اندیشه های فتح الله گولن را مورد کاوش قرار داده و مشی و مرام هواخواهان و طرفداران او را شرح دهیم. تلاش من آن است که بگویم گفتمان خاص گولن در خصوص



نگاهی گذرا به اندیشه های فتح الله گولن،
متفکر مسلمان ترکیه

نسخه ای عمل گرایانه برای جنبش اصلاح گرای اسلامی *

بکیم آگای**

ترجمه: کامیار سعادتی

جامعه‌ای است که ایدئولوژی کمالیسم را پذیرفته است، اما این پایان ماجرای گولن نبود، چرا که به سال ۱۹۹۹م. خود هدف اتهامات ویران‌گر حاکمان لائیک ترکیه قرار گرفت و به عنوان یک «تهدید اسلامی» تلقی شد. البته این موج اتهامات هم اکنون فروکش کرده و پیداست که سمت و سوی این اتهامات به جای گولن، احزاب اسلام‌گرای چون حزب عدالت و توسعه را نشانه رفته است. فتح‌الله گولن اینک پس از بازنشستگی، در آمریکا زندگی می‌کند و به فعالیت علمی و پژوهشی خود ادامه می‌دهد.

شبکه آموزشی گولن

فتح‌الله گولن بنیان‌گذار یک جریان یا جنبش آموزشی اسلامی است که ظرف ۳۰ سال گذشته، شبکه‌ای از مدارس تقریباً یکسان را در ترکیه و سایر نقاط جهان شکل داده است. البته این مدارس در فعالیتهای روزانه خود مستقیماً زیر نظر گولن نیستند، اما همگی تقریباً از اصول آموزشی که توسط او تدوین شده تبعیت می‌کنند. در این نظام آموزشی اگر چه از اصول اسلامی الهام‌های فراوانی گرفته شده است، اما اصولاً آموزش، آموزش غیر دینی است و تمرکز اصلی روی شیوه‌های آموزشی مدرن است. شاید به همین دلیل است که شبکه آموزشی گولن توانسته از دولت‌های لائیک ترکیه، امکانات و تسهیلاتی بگیرد، مدارک این آموزشگاه‌ها مورد تأیید نظام ترکیه است. درست است که موضوعات دینی جزو درس‌های معمول در این مدارس نیست، اما تجربه نشان می‌دهد که برخی از شاخص‌ترین چهره‌های اسلام‌گرای ترکیه، محصول همین مدارس به ظاهر غیر دینی هستند. زبان اول این مدارس، زبان انگلیسی است. این مدارس اکنون در بسیاری از کشورهای جهان شعبه دارند و چشم‌انداز کلی آن، ترکیبی از اندیشه‌های سکولار ترکیه و آموزه‌های

اسلامی محافظه‌کارانه است.

این مدارس حتی تا حدی با قرائت رسمی اسلام در ترکیه هم تعارض دارد. مایه شگفتی است که تأکید بر فعالیت‌های «غیردینی» در این نظام آموزشی در حالی صورت می‌گیرد که دولت لائیک ترکیه در مقام طراحی سیاست فرهنگی خارجی خود به موضوعات دینی، چون ساخت مسجد - مثلاً در آسیای میانه - یا کمک به سازمان‌های آموزشی دینی - مثلاً در آلمان - توجه ویژه دارد.

قرائت سنتی از اسلام

فتح‌الله گولن در میان مردم ترکیه به چند چیز شهره است؛ فعالیت در حوزه مناسبات بین‌الدینی، سازگار کردن اسلام و لائیسیت [جدایی نهاد دولت از نهاد دین]، محکومیت علنی خشونت تحت نام اسلام، و بالاتر از همه توجه دادن به اهمیت والای آموزش در اسلام. با یک نگاه اجمالی به آثار و مکتوبات متعدد گولن، خیلی زود خواهیم فهمید که او چندان رغبتی ندارد که یک نظام الهیاتی نو و بدیع عرضه کند یا حتی جهت‌گیری نو و انقلابی داشته باشد، قرائت او از اسلام متأثر و منطبق با روند کلی محافظه‌کاری اسلامی است و ادله و استدلال‌هایش عمدتاً سنتی هستند. با این همه و به رغم آنکه او چندان نوگرا نیست، اما حجم فعالیت‌های شاگردان و پیروانش، چشم‌ه‌ناظری را خیره می‌کند. از سال ۱۹۸۰ تاکنون آنها ۱۵۰ مدرسه خصوصی، ۱۵۰ آموزشگاه پیش‌دانشگاهی و تعداد فراوانی خوابگاه دانشجویی و دانش‌آموزی احداث کرده‌اند. رویکرد نظام آموزشی گولن به واسطه یک شبکه وسیع رسانه‌ای که در دهه ۸۰ تأسیس شد و نیز از طریق یک شبکه تلویزیونی، یک روزنامه و تعدادی مجله و کتاب، رشد و گسترش فراوانی یافت. این رسانه‌ها همگی فعالیت‌های مؤسسات آموزشی گولن را گزارش می‌کردند. هر یک از این رسانه‌ها در

خدماتی که انجام می‌دهند، البته مستقل‌اند، اما به دلیل اشتراک در جهت‌گیری کلی نظام آموزشی‌شان، با یکدیگر در ارتباط‌اند و در نهایت یک پروژه را پیش می‌برند.

مفاهیم آموزشی و توفیقات جهانی

پس از فروپاشی شوروی و سقوط دیوار آهنی، فتح‌الله گولن شاگردان و هواداران خود را تشویق کرد تا دامنه فعالیت‌ها و اندیشه‌های خود را به فراسوی مرزهای ترکیه گسترش دهند. او در این مسیر به حمایت تجار و بازرگانان متمولی دلگرم بود که بیشتر اعلام کرده بودند در گسترش ایده‌های گولن به خارج از مرزهای ترکیه حاضر به مساعدت هستند. گولن توجه ویژه‌ای به کشورهای جدا شده از شوروی سابق و نیز کشورهای حوزه بالکان داشت. هواداران گولن در کشورهایی چون چین، بوسنی و هرزگوین، دانمارک، آلمان، انگلستان، کامبوج، هلند، فرانسه، فیلیپین، کره جنوبی، تانزانیا، چین و تایلند، امکانات آموزشی خاصی مستقر کردند که البته هیچ ربطی به وزارت آموزش و پرورش ترکیه نداشت. با این همه، هواداران گولن از کشورهای عرب، غفلت کردند. نهضتی که هواداران گولن به راه انداخته بودند، در آلمان بسیار فعال بود و تقریباً در تمامی شهرهای مهم این کشور، مدارس خصوصی دایر شد. اگر چه مدارس در آلمان هیچ ستاد مرکزی برای هدایت واحد نداشتند، اما معنای این حرف آن نیست که فعالیت آنها در قالب یک شبکه درنیامد. این برای نخستین بار بود که یک گروه اسلامی نفوذ خود را بر نظام آموزشی سکولار در ترکیه مدرن اعمال می‌کرد و برای نخستین بار بود که یک نظام آموزشی با موفقیت به خارج از مرزهای ترکیه صادر می‌شد. در واقع وجه جذاب و شگفت‌کار گولن و هوادارانش این بود که گسست میان دو عرصه «اسلامی» و

مخالف هرگونه رویکرد انقلابی است و فرآیند اصلاح اجتماعی را بر هر راهکار دیگر ترجیح می‌دهد.

- به نظر گولن و نوری، علم مدرن، ابزاری است برای آنکه به کمک آن و با مطالعه در مخلوقات، درک عقلانی تری از خداوند به چنگ آوریم. تنها راه حفظ دین در عصر مدرن، همین است و بس. علم مدرن، شناخت عقلانی جهان را به ما ارزانی می‌دارد. مدارس سکولار که در عین حال توجهی به دین هم داشته باشند، پایه های این علم مدرن را مستحکم خواهند کرد. به گمان گولن، علم پایه های رفاه اقتصادی، یکپارچگی اجتماعی و استقلال ملی را شکل می‌دهد و این مسائل، همان اهداف اصولی و اساسی هستند که هم نظام مدرن را و هم اسلام مدرن را حفظ خواهند کرد.

- در فضای کنونی که استمرار حیات دین به شدت در معرض خطر است، تن دادن به مناقشات کلامی و الهیاتی هیچ سودی در پی ندارد. لازم است که علم کلام بر حوزه‌ها و عرصه‌هایی تأکید ورزد که اختلاف برانگیز نباشند و نوعی اجماع در آن موارد وجود داشته باشد. در واقع علم کلام می‌تواند با تأکید بر اشتراک، دست کم وجود اصل دین را محافظت کند.

اسلام و ناسیونالیسم ترکیه

۲- یکی از عوامل مهمی که به ترفیع موقعیت فتح‌الله گولن در ترکیه منجر شده است، نظریه او در باب تلفیق ناسیونالیسم ترکی و اسلام است. این نظریه را برخی از هواداران او در سایر کشورها هم پیاده کرده‌اند و اصول ناسیونالیسم را با شرایط بومی آن کشورها وفق داده‌اند. گولن بر خلاف آنچه در دهه ۸۰ میلادی بدان معتقد بود، اکنون عقیده دارد که دیگر نمی‌توان با گوشه‌گیری و کناره‌جستن از جهان خارج، هویت اسلامی خودمان را حفظ کنیم. او نظریه دولت-ملت

مجدد متون دینی بپردازد، بلکه می‌کوشد عناصر متنوع و نوعاً پذیرفته شده را در هم ادغام کند و در قالب نظریه‌های جدید عرضه کند. اصول اساسی گفتمان گولن به نظر من از این قرار است:

حفظ و ابقای اسلام در جهان جدید

۱- گولن بیش از هر چیز به این می‌اندیشد که برای اسلام در شرایط جهان جدید، جایی در خور بیابد و اسلام را همچنان حفظ کند. او این ایده را بی‌شک از سعید نوری متفکر ترکیه (متوفای سال ۱۹۶۰م.) به ارث برده است. مفروضات او در باب اسلام شامل این موارد است:

- دولت مدرن سکولار، یک هم‌اورد و حریف مقتدر است. چنانچه کسی با این حریف مقتدر، مستقیماً به رویارویی بپردازد، علایق و خواسته‌های اسلامی اش صدمه می‌بیند؛ چرا که این دولت بی‌درنگ با او برخورد می‌کند. سعید نوری معتقد بود که خداوند هر انسانی را به طور انفرادی مورد داوری قرار می‌دهد و هر انسان، در پیشگاه داوری الهی، به تنهایی مبعوث می‌شود. بنابراین جنبش اسلامی باید بکوشد که تمرکز خود را بر هدایت «افراد» قرار دهد تا به راه راست هدایت شوند. نظم سیاسی را باید چارچوبی برای رفتار انسان‌ها دانست و آن را پذیرفت. در این صورت نظم سیاسی قادر خواهد بود وظایف مهم‌تر خود را با دقت و توجه بیشتر ایفا کند.

- ما در روزگاری زندگی می‌کنیم که زمانه علم و تکنولوژی است و هیچ بدیل دیگری وجود ندارد. برای آدمی در چنین زمانه‌ای دو راه بیشتر وجود ندارد؛ یا اینکه بکوشد زمانه خود را به شیوه‌ای دینی شکل دهد و یا اینکه هرگونه نفوذ و نقش عامل بیرونی را حذف کند. فتح‌الله گولن می‌گوید: «نارضایتی و ناخرسندی هیچ‌گاه نتوانسته است تاریخ را بسازد.» به این ترتیب او

«سکولار» را تا حد زیادی ترمیم کردند و این دوگانه به ظاهر متخالف را که سال‌ها در ترکیه غیرقابل آشتی تلقی می‌شد، از میان برداشتند. به این ترتیب آن دسته از مؤسسات آموزشی که ملهم از یک مفهوم اسلامی بود، از جانب دولت لائیک ترکیه به رسمیت شناخته شد. مؤسسات آموزشی گولن در بسیاری از کشورها با نظام‌های آموزشی ملی آنها، باب همکاری را گشودند. به هر حال شبکه وسیع آموزشی که فتح‌الله گولن و هم‌فکرانش در ترکیه و سایر کشورها بنا نهادند گو اینکه ریشه در پاره‌ای مفاهیم اسلامی داشت، اما تقریباً به هیچ وجه نمی‌توان آنها را مدارس اسلامی به معنی خاص دانست.

مفاهیم اسلامی در گفتمان آموزشی گولن

تعلق خاطر گولن به مسئله آموزش، و رویکرد خاص او به نسبت اسلام و سیاست، و نیز شأن اعتباری که او برای نقش رسانه در شبکه آموزشی خود قایل بود، بی‌شک تأثیرات شگرفی بر فضای اسلامی ترکیه نهاد. به وضوح می‌توان تأثیرات مثبتی را که نظام ارزشی و اقدامات گولن و هوادارانش در ترکیه آفریده است، شاهد بود. اما آیا می‌توان به اعتبار این مسئله او را یک اصلاح‌گرای مسلمان نامید؟ برای پاسخ به این سؤال بی‌درنگ باید تأمل دقیق‌تری در دنیای فکری فتح‌الله گولن انجام دهیم. در آغاز ضروری است که میان الهیات اصلاح‌گرایانه و تفکر نوآرانه اسلامی تمایز قایل شویم. «گفتمان گولن» شامل عناصر متعددی است که البته در اینجا فقط می‌توان به اختصار از آنها سخن گفت. یکی از وجوه این گفتمان آن است که کلام و سخن گولن به طور عمده با نوعی ابهام و چندگانگی همراه است، به گونه‌ای که افکار او را هر کس به تناسب درک خود می‌تواند در قالب ویژه و متفاوتی دسته‌بندی کند، اما به گمان من سعی او بر آن نیست که به تفسیر

رأبا واقعیت جهانی شدن، ناسازگار نمی بیند. گولن آنقدر اعتماد به نفس و اطمینان دارد که برای بازگرداندن اعتبار پیشین به اسلام، پیشنهاد می کند که بیاید درها را باز کنیم. به حکم آن که نمی توان فرآیند جهانی شدن را متوقف کرد. پس بهتر است با مهار و هدایت این فرآیند، از آن به عنوان یک فرصت استفاده کنیم. در نظر او، الهیات و علم کلام نیست که جهان جدید را می سازد، بلکه این مؤسسات آموزشی سکولار هستند که به کمک استفاده هدفمند از رسانه های جدید، می توانند کشورها را در چرخه مشارکت جهانی وارد کنند و میسر جهان جدید باشند. فتح الله گولن تکالیفی را که اسلام بر پیروان خود مقرر کرده، گوشزد می کند و می گوید مسلمانان باید در پی کسب هر چه بیشتر دانش باشند تا از این طریق استقلال مادی و عقیدتی خود را از غرب، تحقق بخشند. همین تأکید او بر مقوله استقلال باعث شده است برخی افراد، گولن را حامی اسلام سیاسی بدانند. خلاصه آنکه، به نظر گولن استقلال ملی و فرهنگی تنها در صورتی به دست خواهد آمد که مسلمانان بتوانند بر حسب اعتقادات خود جهان مدرن را شکل دهند، نه اینکه آن را از اساس انکار کنند و یا رسیدن به آن را از محالات بپندارند و اصلاً سراغ آن نروند.

تقدم اخلاق و آموزش بر سیاست

۳- به اتکای آنچه تاکنون گفته شد، می توان حکم کرد که نظرات فتح الله گولن به لحاظ کلامی و الهیاتی چندان بدیع و ابتکاری نیست؛ او اصول اساسی رفتار اسلامی را اینگونه تبلیغ می کند:

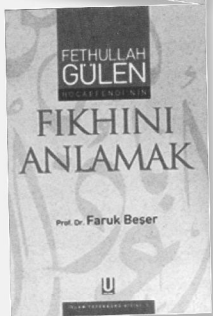
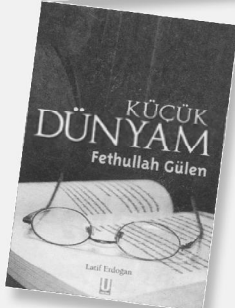
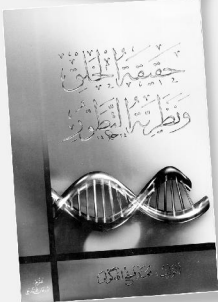
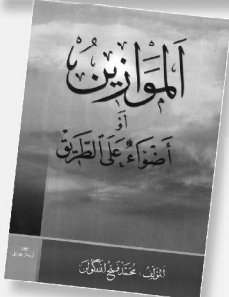
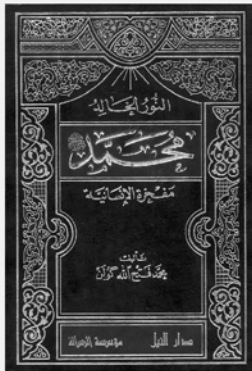
جهاد: تلاش زایدالوصف در راه خدا،
ارشاد: اشاعه و نشر اسلام، و بالاتر از همه
خدمت: یاری رساندن به مردم به صورت صلح آمیز و تحت نام خداوند.
او در اثبات این اصول رفتاری، از همان

الگوهای استدلالی بهره می گیرد که پیشتر بارها در علم کلام استفاده شده است. نکته جالب و البته تعجب انگیز این است که گولن وقتی می خواهد به مخاطبان خود بگوید که نظر اسلام در مورد مسائل مختلف چیست، استدلال هایش کاملاً عادی، معمولی و حتی مردم پسند است، اما در عین حال راه های کاملاً جدیدی پیشنهاد می دهد تا این اصول اعتقادی را تکمیل کند. این معلم مدرسه در این مرحله به یک پیام آور [و مجدد] تبدیل می شود، کسی که می خواهد اصول پیش گفته فوق را از طریق انتقال دانش به ثمر برساند. نکته کلیدی در نظر گولن این است که اصول اسلامی به خودی خود ثابت و تغییرناپذیرند. اما در هر فضای تازه ای باید یک شکل و صورت انضمامی واقعی به خود بگیرند. شاید زمانی دایر کردن یک کلاس قرآن بهترین راه خدمت به مسلمانان بود، اما اکنون که بر سر هر کوی و برزنی یک مسجد است، بهتر است به فعالیت های اسلامی دیگری پرداخت که اولویت دارند. فتح الله گولن در تقویت حلقه های محافظه کار اسلامی، توفیقات فراوانی داشته است. او عرصه های کاملاً جدیدی برای فعالیت برگزیده است، و از گان سنتی اسلامی رابه کار می برد، اما به واسطه کاربرد کاملاً تازه ای که از این واژگان سنتی عرضه می کند، در واقع روح تازه ای به آن واژگان می بخشد. طبیعی است که این کار به مذاق محافظه کاران مسلمانی که می خواهند در عرصه عمل، خودی نشان بدهند، سخت شیرین می آید. گولن برای آن که از زیر بار موج انتقادات نظری بگریزد و تناقضاتی را که بین قانون اسلامی و سکولار یا میان مفاهیم اسلامی دولت وجود دارد حل کند، به همان راهی نمی رود که برخی از متفکران مسلمان ترکیه، ایران یا عرب رفته اند. چرا که این اندیشمندان اصلاح گرا به باز تعریف یا تفسیر مجدد تاریخ و قرآن پرداخته اند. گولن در

عوض راه دیگری را انتخاب می کند. او به سادگی می گوید که اخلاق و آموزش برای اسلام امروز، اساسی تر و حیاتی تر از مسائل سیاسی است و مسلمانان زمانه ما با معضلاتی کاملاً متفاوت مواجهند، معضلاتی که مهم تر از مثلاً این سؤال است که آیا باید شریعت اسلامی را به دنیا معرفی بکنیم یا نه.

۴- فتح الله گولن یک نظام اخلاقی ناظر بر اعمال خیر، طراحی می کند که دو کارکرد مهم دارد: هم برای فعالان اسلام گرا این امکان را فراهم می آورد که به اتکای این نظام اخلاقی، جایی در اجتماع داشته باشند، و هم اصول اعتقادی و شعایر اسلامی را ترفیع و تقویت می کند و شایسته زندگی می کند. در این راستا هر کار و عملی که در مسیر اهداف اسلامی باشد، عملی خواهد بود که در خدمت خداوند است. کار آموزش و اساساً حمایت از مقوله آموزش، به طور ویژه منطبق با عالی ترین ارزش های اسلامی است.

۵- ترفیع و تقویت شعارها و اصول اسلامی، منوط به اجتناب از مفاسد و بی لیاقتی ها در سطح سازمان هاست. در این میان، اتخاذ تدابیری لازم است که به اتکای آنها فرد مسلمان بتواند به بهترین شکل، تکالیف الهی و اسلامی خود را ادا کند. این تدابیر باید به گونه ای طراحی شوند که از طریق تأکید بر راهکارهای عینی و عملی به غنا بخشیدن به مفاهیم و شعایر اسلامی بیانجامند. فتح الله گولن بیش و پیش از هر چیز به دنبال آن است که سازمان هایی را اشاعه و گسترش دهد که توسط هواداران او (که خود گولن آنها را «جماعت» می نامد) مورد حمایت قرار می گیرد. این سازمان ها به زعم گولن وسیله ای هستند که ما می توانیم به کمک آنها رستگاری فردی را با علایق و اهداف گروهی، یا حتی اهداف کل جامعه معاوضه کنیم. در واقع از طریق این سازمان ها، رستگاری فردی آنقدر گسترش می یابد که گروه یا کل جامعه را پوشش می دهد. به این



از همان چیزهایی که مردم به آن دلبسته بودند، تحولی شگرف رادر عرصه اجتماعی بیافریند. مردم به خوبی و به سرعت توانستند با آنچه گولن تبلیغ می کرد، رابطه برقرار کنند. او توانست مردم را به اهداف خود علاقه مند کند. گولن فهمیده بود که از طریق تبلیغ اصلاح گرایي اسلامی که مستظهر به حمایت دولت است، نمی تواند در تغییر افکار مردم توفیق یابد. او راه دیگری برگزید، به جای آنکه مباحث اسلام سیاسی را دامن بزند، کوشید به این مسئله بپردازد که چه طور می توان هم مسلمان بود و هم آموزش را جدی گرفت. راه حل او به ظاهر خیلی ساده است، اما به همین اندازه، پراگماتیستی [عمل گرایانه] و موفق بود.

مسیری که گولن برگزید اینک نور تازه ای بر این سؤال می افکند که اسلام اصلاح گرا واقعاً چیست؟ آیا این خود اسلام است که باید اصلاح شود یا اینکه ما باید مردم را تغییر دهیم؟ فتح الله گولن می گوید اگر به تحلیل جریان های نوظهور در جهان اسلام بپردازیم خواهیم دید که متأسفانه به گزینه اول (اصلاح خود اسلام)، بیش تر اقبال نشان می دهند و از گزینه دوم (تحول در افکار مردم) غافلند. به گمان او ضروری است به جای هر کار دیگر، اینک اصلاح گرایي اسلامی را در قالب رویکردی عمل گرایانه و با هدف تغییر در مردم و توسط به کارگیری زبان خود مردم دنبال کنیم.



پی نوشتها:

- * این مقاله از ماهنامه اخبار ادیان نقل شده است.
- ** بکیم آگای، استادیار دپارتمان مطالعات شرق شناسی در دانشگاه بن آلمان است. او در سال ۱۹۷۴م. در ترکیه متولد شده، و در رشته مطالعات اسلامی و نیز تاریخ و روان شناسی در بن و قاهره تحصیل کرده و فارغ التحصیل شده است.

ترتیب، گولن صورت های سازمانی هواداران خود و نیز تدابیر و استراتژی های آنها را «اسلامی» می کند. این هر دو (سازمان و استراتژی) باید آنقدر انعطاف پذیر و ملموس باشند که مردمان بیشتری اهداف آنها را دریابند. به گمان گولن، یگانه راه تغییر جامعه، تغییر افراد است. «جماعت» یا همان گروه هواداران گولن باید وقت و نیروی خود را هر چه بیشتر صرف تربیت «نسل نو» کند.

پراگماتیسم [عمل گرایي] اسلامی شده
۶- شک نیست که فتح الله گولن و پیروان مسلمانان به دنبال عرضه تفسیری بسیار سنتی از اسلام هستند، اما نکته مهم این است که وقتی با دیگران سر و کار دارند، در مقام انتقال مفاهیم دینی، دست کم به برخی از مفاد نظام ارزشی آنها هم التفات شود، لذا قرائتی به غایت باز از اسلام عرضه می کنند تا جایی که دامنه نفوذ کلام آنها، حتی حلقه های غیراسلامی را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. به نظر می رسد راز توفیق اندیشه های گولن این است که قرارداد گرایي را با محافظه کاری تلفیق می کند و به روش ها و شیوه هایی دست می یابد که به مدد آنها می تواند به طیف جدیدی از گروه های هدف دست یابد.

زمانی که مشغول تحقیق در باب گولن بودم، یکی از کسانی که با او ارتباط نزدیکی داشت، به من گفت: گولن اهل سرزمینی است که بسیاری از مردم آن، به خاطر نظام ارزشی سنتی که داشتند تا چندی پیش از این که به دختران اجازه دهند که درس بخوانند سر باز می زدند، اما امروزه همان مردم، دختران خود را به دانشگاه می فرستند و گویا متقاعد شده اند که بین اسلام و آموزش، رابطه نزدیکی وجود دارد. این تحول مدیون بهره گیری درست از همان نظام استدلالی است که مردم ترکیه به شدت آن را پذیرفته اند. در واقع گولن توانست با استفاده